



هفته نامه سراسری سیاسی اجتماعی و فرهنگی | پنجشنبه ۱۸ شهریور ۱۳۹۵

صفحه نخست (/) | آرشیو (/Archive/) | جستجو (/Search/) | اشتراک (/Subscription/) | قوانین و مقررات (/Rules/) | ارتباط با ما (/ContactUs/)

حسین موسویان در گفتگو با «دولت و ملت» از راه‌های کنترل تنش بین تهران و ریاض می‌گوید:

نباید در دام استراتژی تهاجمی ریاض-تل آویو بیفتیم



نویسنده : شاهین زینعلی

[شماره ۲۲]

پرونده

«تصمیم گرفته‌ام آنچه را در سال ۱۹۷۹ بر دنیا گذشت روی کاغذ بیاورم: در این سال- همان‌طور که همه می‌دانیم- دنیا از هم پاشید و هم اکنون با این‌که باور نمی‌کنم دیگر کسی به این مسئله توجهی داشته باشد، ولی اقلأ مطمئن هستم که اهالی کالیفرنیا به کلی اعتنایی به قضیه ندارند و از این‌که مانند بسیاری از ابناء بشر باید محکوم به مرگ از گرسنگی یا یخ زدن بر اثر سرما باشند نگران نیستند.»

این جملات نخستین کتاب سقوط ۷۹ اثر مشهور «پل اردمن» در سال ۱۹۷۷ است که در داستانی فرضی از نابودی دنیا می‌گوید. علت اما از دید نویسنده جنگ میان ایران و عربستان سعودی است. علتی که در آن دوران، دست کم در بخشی از اروپا و آمریکا چندان سایه خود را بر سر افکار عمومی انداخته بود که به دنیای ادبیات و داستان‌نویسی راه پیدا کرده بود. گرچه هرگز سطح تنش میان دو کشور به اندازه امروز نبوده است. ایران و عربستان سعودی برهه‌ای پرتنش را در روابط خود طی می‌کنند که در آن، گاه، دل دنیا می‌لرزد که نکند جنگی تمام عیار میان دو کشور درگیرد و آنچه از فحوای کلام رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برمی‌آید این است که ترس افکار عمومی از چنین جنگی بسیار عمیق است. بر کسی پوشیده نیست که چنانچه این جنگ رخ دهد، منطقه آسیای جنوب غربی در چنان گردابی از خون و کشتار و ناامنی فرو خواهد رفت که دیگر برون آمدن از آن تا مدت‌ها ممکن نیست. امری که حتی می‌تواند امنیت جهانی را تهدید کند. برخی معتقدند که ایران و عربستان منافی کاملاً متضاد با یکدیگر در حوزه آسیای جنوب غربی دارند که مانع‌الجمعند و تخصیص فعلی نتیجه روندی است که به صورت طبیعی می‌بایست جلوه‌گر شود و همکاری‌های دو کشور پس از خروج بریتانیا از خلیج فارس و بر اساس دکترین دو ستونی آمریکا برای منطقه، شرایطی مصنوعی بود که ناشی از اعمال فشار آمریکا بوده است. دیگرانی نیز پای را فراتر گذاشته‌اند و با توجه به پیشینه روابط دو کشور، تاریخ و شرایط شکل‌گیری عربستان سعودی و تأکید بر ژئوپلیتیک خلیج فارس نبرد میان ایران و عربستان را ناگزیر می‌دانند. در ایران بسیاری، از مخاطرات، تنش و خصومت میان دو کشور آگاهند. حتی، در میان حکومت‌گران آل سعود نیز افرادی هستند که از این وضع راضی نیستند. گرچه آنها دست بالا را ندارند و صدایشان شنیده نمی‌شود. از سوی دیگر، برخی نیز دو کشور را دارای منافع مشترکی در منطقه می‌دانند.

دکتر حسین موسویان، معاون سابق دبیر شورای عالی امنیت ملی، به عنوان یکی از برجسته‌ترین دیپلمات‌هایی که در دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران خدمت کرده است، در خصوص تضاد یا اشتراک منافع ایران و عربستان سعودی می‌گوید: «در روابط بین‌الملل امروز هیچ دو کشوری را نخواهید یافت که به طور صددرصد دارای منافع متضاد یا منافع مشترک باشند. ایران و عربستان هم از این قاعده مستثنی نیستند. تهران و ریاض علی‌رغم تضاد منافع، دارای منافع مشترک مهمی در روابط دوجانبه و در سطح منطقه و بین‌الملل می‌باشند.»

کسانی که مایلند تخصیص عربستان علیه ایران را به جنگ شیعه و سنی تقلیل دهند نیز بر این شاهد تکیه می‌کنند که پیش از انقلاب ایران از آنجا که نظام حاکم در عرف سیاسی، مذهبی تلقی نمی‌شد، لذا تخصیصی هم وجود نداشت. صرف نظر از تشکیک در درستی این سخن که در پیش از انقلاب اسلامی در ایران، تنش میان دو کشور وجود نداشته است، اما آیا می‌توان تنش بین دو کشور را به تنش شیعه و سنی در منطقه تقلیل داد؟ حسین موسویان در پاسخ از تضاد بدیهی وهابیت با تشیع، در خصوص تأثیرات این تضاد مذهبی بر مسائل سیاسی منطقه‌ای می‌گوید: «عربستان پایگاه اصلی فرقه وهابیت در جهان اهل سنت است و این فرقه هم، با شیعه مشکل اساسی دارد. اما، این فرقه خود در جهان اهل سنت در اقلیت است. مسئله شیعه و سنی برای اکثریت جهان تشیع و تسنن مطرح نیست. مهم است که رهبران مذهبی و سیاسی جهان تشیع و تسنن باید مواردی را مد نظر قرار دهند که به نزدیکی میان پیروان دو مذهب بیانجامد. نخست آن‌که نباید اجازه دهند که کینه‌ورزی فرقه وهابیت به پای جهان اهل سنت نوشته شود و دوم این‌که باید تحرکات و ابتکاراتی جدیدی برای تقرب شیعه و سنی به خرج دهند. در یکی از اجلاس‌های اخیر در پایتخت یکی از کشورهای عرب همسایه خلیج فارس جدال سختی بین من و یکی از وزرای خارجه شورای همکاری‌های خلیج فارس به وجود آمد. بعد از جلسه، به طور خصوصی به من گفت شما چرا اقدامات وهابی‌ها را به پای ما می‌گذارید؟ ما وهابی نیستیم. ما خودمان هم هیچ دل خوشی از وهابی‌ها نداریم. این نکته بسیار مهمی است که ظرفیت اقدامات کاربردی دارد.»

با وجود این قبیل موارد، اما، سیر وقایع چند سال اخیر در منطقه و بررسی سیاست خارجی عربستان سعودی در حوزه‌هایی که نفوذ فرهنگی، تاریخی و حتی مذهبی ایران بلامنازع است، نشان می‌دهد در شرایط فعلی اگرچه ایران در سخت‌ترین شرایط برای مدیریت بحران میان خود و سعودی حسن نیت نشان داده است اما، در طرف مقابل نه تنها اراده‌ای برای دستیابی به فرمولی جامع برای صلح منطقه‌ای وجود ندارد بلکه اقدامات سعودی‌ها هر روز بیش از پیش تهاجمی می‌شود. لذا بر این اساس دیپلماسی دولت اگرچه مبتنی بر رفتاری خردمندانه است اما با توجه به رفتار طرف مقابل آرام، آرام صداهایی مبنی بر این‌که باید برای دفاع از منافع ملی ایران قدری فعال‌تر و حتی تهاجمی‌تر عمل کرد، شنیده می‌شود. چه موافق و چه مخالف چنین صداهایی باشیم اما، نمی‌توان منکر این شد که دست کم، رگه‌هایی از حقیقت در این قبیل مواضع وجود دارد. این‌که بهترین سیاستی که با توجه به جمیع این موارد، دولت ایران می‌تواند در پیش بگیرد، محل پرسش جدی است. دکتر حسین موسویان در این باره چنین می‌گوید: «این حرف درستی است که ایران در سخت‌ترین شرایط برای

مدیریت بحران جاری مکرراً حسن نیت نشان داده و سعودی‌ها هم نه تنها اراده‌ای برای دستیابی به یک فرمول جامع برای صلح منطقه‌ای ندارد بلکه به دنبال تشدید خصومت بوده‌اند. اما، باید بدانیم که این یک استراتژی است که بین تل‌آویو و ریاض هماهنگ شده است. آنها بر این باورند که در صورت تشدید خصومت، جهان غرب و قدرت‌های جهانی مجبور به حمایت از محور ریاض-تل آویو خواهند شد و پروسه تشدید فشار علیه ایران را مجدداً کلید خواهند زد. لذا، باید مراقب بود که تحت شعارهایی مثل ضرورت اقدامات تهاجمی، ایران در دام استراتژی ریاض-تل آویو نیافتد. این‌که ایران با صبوری ریاض را به گفتگو و صلح دعوت کند و ریاض هم نپذیرد و خصومت‌ورزی را تشدید کند، این، نشانه اقتدار و تسلط ایران و ضعف و درماندگی سعودی‌ها خواهد بود.»

چنان‌چه اراده‌ای برای نزدیکی و کاستن از تنش میان ایران و عربستان سعودی شکل بگیرد، مکانیزم آن محل پرسش است. به خصوص با توجه به این نکته که حوزه‌های مورد مناقشه از نظر ساختارهای سیاسی-اجتماعی و مسائل امنیتی و نیز مکان جغرافیایی - به خصوص با توجه به دوری و نزدیکی به هر یک از دو کشور- شرایطی را ایجاد کرده است که دستیابی به راه حلی جامع را برای تنش‌زدایی در روابط ایران و عربستان سعودی بسیار پیچیده می‌نماید.

حسین موسویان این پرسش را که چگونه می‌توان برای کنترل اوضاع و رسیدن به شرایط ثبات نسبی، مشکلاتی که با عربستان سعودی در رابطه با سوریه، عراق و یمن وجود دارد با فرمولی جامع حل کرد، چنین پاسخ می‌دهد: «می‌توان شش اصل زیر را به عنوان اصول یکسان برای حل و فصل مسائل پیشنهاد کرد که در اجرا با شرایط هر حوزه تطبیق داده شود. حل بحران از طریق دیپلماسی، برگزاری انتخابات آزاد با نظارت سازمان ملل، پذیرش رأی اکثریت، تأمین حقوق اقلیت‌ها، همکاری در مسائل انسان‌دوستانه در مورد آواره‌ها و پناهندگان و بازگشت مردم به خانه و کاشانه خود و در نهایت، مشارکت جدی در بازسازی اقتصادی کشورهای بحران زده. بدیهی است هر کدام از این مناطق شرایط خاصی دارند، اما چنان‌چه این اصول کلی رعایت شود، می‌توان امید به یک تحول جامع در رابطه دو کشور داشت.»

حسین موسویان خود در دوره آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در رابطه با روابط خارجی ایران و عربستان سعودی مأموریت داشت. با مذاکرات محرمانه مفصلی که او در سال ۷۵-۷۶ در جده با امیر عبدالله ولیعهد وقت سعودی انجام داد، روابط خصمانه دوکشور منقلب شد و تا دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد هم این روابط خوب ادامه یافت. تجربه دوران آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و رئیس دولت اصلاحات همچنان به عنوان محملی برای طراحی سیاستی تازه در رابطه دو کشور از سوی طرف ایرانی مطرح می‌شود. اما، پرسش اینجاست شرایط و معادلات امروز در منطقه به میزان زیادی با آن دوره تفاوت دارد. بررسی شرایط روابط ایران و عربستان سعودی در آن دوره می‌تواند تا حدود زیادی راهگشا باشد. موسویان در خصوص تکرارپذیری کیفیت رابطه دو کشور در آن دوران می‌گوید: «می‌توان با توجه به شرایط جدید از آن تجربه‌ها استفاده کرد اما ابتکارات جدید لازم خواهد بود. تهران می‌تواند استراتژی هفتگانه زیر را دنبال کند:

نخست، استمرار حسن نیت و دعوت ریاض به گفتگو و صلح و همکاری. هر چند که ریاض هم استقبال نکند اما، دعوت از سوی ایران باید به صورت مداوم ادامه پیدا کند.

از سوی دیگر، تقویت روابط با سایر کشورهای عربی و اسلامی که تحت سلطه سعودی‌ها نیستند نیز باید مد نظر قرار گیرد. از هر وساطت و پادرمیانی سایر کشورها برای کاهش تنش بین ریاض و تهران و هر طرحی برای این موضع باید استقبال شود.

به موازات موارد فوق ارائه و پیگیری طرح‌های عملیاتی سازنده برای مقابله منطقه‌ای و جهانی با تروریسم تکفیری نیز باید با قدرت تمام ادامه پیدا کند.

تسهیل و تقویت روابط مردمی با جهان عرب، گفتگوهای رهبران مذهبی جهان تسنن و تشیع در جهت پیشگیری از تقابلات شیعه و سنی و ایجاد همکاری‌های مردمی در جهت حل بحران‌های جاری نیز از پایه‌های استراتژی مزبور است.

پیگیری ابتکار ایجاد سازمان همکاری و امنیت در حوزه خلیج فارس و در آخر نیز تقویت همکاری‌های مقابله با تروریسم تکفیری با اعضای شورای امنیت سازمان ملل باید مد نظر سیاست‌گذاران قرار گیرد.

این استراتژی باید بر کلیه شئون دستگاه دیپلماسی در ایران در رابطه با عربستان سعودی اعمال شود. تنها در این صورت است که می‌توان بحران را مدیریت کرد و نیز باید توجه داشته باشیم حتی اگر در طرف سعودی چنین اراده‌ای وجود نداشته باشد، این امر نباید در طرف ما خللی در عزم و اراده دستگاه دیپلماسی ایران برای کنترل تنش ایجاد کند.»

کلمات کلیدی : پرونده حسین موسویان، تهران، ریاض، تل‌آویو

دیدگاه کاربران

نام :

پست الکترونیکی :

دیدگاه شما :

کد امنیتی را وارد نمایید :

کد امنیتی



ثبت دیدگاه

نسخه الکترونیکی دولت و ملت



Archive/17.pdf/)

شماره ۱۷



archive/dolat-/)

o-mellat-
(18.pdf

شماره ۱۸



Archive/19.pdf/)

شماره ۱۹



ds/images/gallery/20.pdf/)

شماره ۲۰



ds/gallery/Archive/21.pdf/)

شماره ۲۱

پربازدید ترین ها | پربحث ترین ها

- شماره بیست و دوم «دولت و ملت» منتشر شد. (news/5562/شماره-بیست-و-دوم-دولت-و-ملت-منتشر-شد)
- شماره بیست و یکم «دولت و ملت» منتشر شد. (news/5520/شماره-بیست-و-یکم-دولت-و-ملت-منتشر-شد)
- شماره بیستم «دولت و ملت» منتشر شد. (news/5492/شماره-بیستم-دولت-و-ملت-منتشر-شد)
- شماره نوزدهم «دولت و ملت» منتشر شد. (news/5458/شماره-نوزدهم-دولت-و-ملت-منتشر-شد)

تمامی حقوق مادی و معنوی این وبسایت محفوظ و متعلق به هفته نامه دولت و ملت می باشد